

مؤلفه‌های راهبردی برای حضور مؤثر در نظم جهانی

حسن حاجی زاده اناری

استادیار گروه معارف اسلامی پردیس شهید چمران تهران، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hajizadeanari@gmail.com

مهدی ابوطالبی یزدی

استادیار گروه معارف اسلامی پردیس شهید چمران تهران، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

aboutaleby@gmail.com

جهانی شدن به معنای فرآیندی بلندمدت و چندوجهی است که با نوعی خودآگاهی مشترک جهانی در حال شکل‌گیری است. پرسش اصلی این است که در این فرایند چگونه باید عمل کنیم تا از سرعت پیشرفت و تحولاتی که در دنیای انسانی در حال وقوع است عقب نمانده و جایگاه کشور خود را در نظام بین‌الملل حفظ کرده و ارتقاء دهیم؟ با عنایت به اهمیت و ضرورت حضور در نظم جهانی، وظیفه‌ای خطیر بر عهده حاکمان و مدیران و سیاست‌گزاران قرار گرفته است. اگر تعلل و سستی در پیش گیرند و به جای تمرکز بر مؤلفه‌هایی که موجب افزایش قدرت کشور در معادله جهانی می‌شود، راه ستیز و اختلافات داخلی را بپیمایند، آینده جامعه را به مخاطره انداخته، زمینه برای رشد رقبا فراهم می‌گردد. مقاله پیش‌رو، ضمن بررسی اجمالی تاریخچه جهانی شدن، مؤلفه‌هایی راهبردی برای حضور اثربخش و ارتقاء جایگاه کشور در نظام بین‌الملل ارائه می‌نماید تا علاوه بر بهره‌مندی از مزایای جهان متجدد، نقایص و کاستی‌هایی که مانع حضور تأثیرگذار در جامعه جهانی می‌شود، مرتفع گردند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، جامعه جهانی، تمدن اسلامی، مدرنیته، نظام بین‌الملل.

۱. مقدمه

جهانی شدن (Universalism)، تاریخچه مشخصی در ادبیات سیاسی دارد. جهانی شدن به معنای فرآیندی بلندمدت و چندوجهی، مبتنی بر قلمرو زدایی، همپوندی، تحرک اجتماعی، پیچیدگی و در هم تنیدگی امور جامعه بشری است؛ به گونه‌ای که با توجه به پیچیدگی روابط بین‌الملل و وابستگی متقابل جامعه جهانی به یکدیگر، نوعی خودآگاهی مشترک جهانی در حال شکل‌گیری است (دهشیری، ۱۳۹۶: ۲۸).

منشا جهانی شدن در دوران معاصر را می‌توان در قرن ۱۸ و ۱۹ به دلیل پیشرفت در فناوری حمل و نقل و ارتباطات جستجو کرد. در نتیجه انقلاب ارتباطات، در دهه ۱۹۹۰ میلادی، جهان روزبه روز کوچک‌تر و انسان‌ها به هم نزدیک‌تر شده‌اند. روابط افراد و جوامع دقیق‌تر، عمیق‌تر و بسیار گسترده‌تر از پیش شده تا حدی که می‌توان گفت، جهان به یک دهکده تبدیل شده است. اگر بخواهیم چشم‌گیرترین و برجسته‌ترین تأثیر این تحول بی‌مانند را بر زندگی سیاسی و اجتماعی بشر به تصویر بکشیم، بی‌گمان می‌توان آن را در «تضعیف حاکمیت دولت» و کاستن از اهمیت آن دنبال کرد. عمده‌ترین ویژگی این فرایند، جهان شمولی آن است و همین خصیصه مستلزم اقتضائات جهانی است (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

در حال حاضر، موضوع جهانی‌سازی بر بنیادهای ایدئولوژیک غربی بنا شده و محور آن بر تقدس‌زدایی از دین استوار است. با عنایت به اینکه امعان نظر پیرامون نحوه مواجهه با جهانی شدن به مسأله‌ای اجتناب‌ناپذیر بدل شده، اسلام به عنوان دین جهانی باید نقش سازنده‌ای در فرایند جهانی شدن ایفا کند. موضوعی که در این مقاله بررسی خواهد شد، به نقش مسلمین در فرایند جهانی‌سازی بازمی‌گردد. پرسش اصلی این است که جایگاه اسلام در مسأله جهانی شدن کجاست و مسلمانان، به عنوان پیروان دومین دین بزرگ جهان، چگونه باید عمل کنند که از سرعت پیشرفت و تحولاتی که در دنیای انسانی در حال وقوع است عقب‌نمانده و جایگاه این دین بزرگ را در نظم نوین جهانی ارتقاء داده و نقش آفرینی کنند؟ در جنبه‌های فکری و عملی چه راه‌کارهایی را باید در پیش گرفت

تا این اهداف محقق شود و علاوه بر بهره‌مندی از مزایای جهان متجدد، نقایص و کاستی‌های آن برطرف گردد و جهانی انسانی مطابق الگوی اسلام شکل بگیرد؟

آموزه‌های اسلامی قابلیت‌های فراوانی برای جهانی‌شدن دارند. این مهم، در نظرات اندیشمندان مسلمان و آیات قرآن به چشم می‌خورد. به عنوان مثال؛ مبحث «مدینه فاضله» فارابی، «اصالت وجود» و «وحدت در عین کثرت» ملاصدرا و آثار بزرگانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی، ابن سینا و شارحان آثار ایشان مؤید این موضوع است. به منظور نشان دادن رابطه اسلام و جهانی‌شدن، بایستی مختصات جهانی‌شدن موجود و مطلوب را از نظر بگذرانیم. آن‌گاه با بررسی ابعاد مختلف جهانی‌شدن موجود و مقایسه با جهانی‌شدن حقیقی، پرده از راز سازگاری یا ناسازگاری با جهانی‌شدن واقعی برمی‌داریم و سپس با مروری بر برخی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ادیان به ویژه اسلام، میزان انطباق آن را با جهانی‌شدن واقعی بررسی خواهیم کرد.

۲. پیشینه پژوهش

از بدو پیدایش، مفهوم جهانی‌شدن، الهام بخش تعاریف و تفاسیر رقابتی بوده است. مارتین آلبرو و الیزابت کینگ، جهانی‌شدن را مجموعه فرایندهایی توصیف می‌کنند که از طریق آن مردم جهان در یک جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند (Albrow and king, 1990: 245).

اگرچه بسیاری از محققان منشأ جهانی‌شدن را دوران مدرن می‌دانند، اما عده‌ای دیگر تاریخ آن را به مدت‌ها قبل از عصر اکتشافات (Age of Discovery) و سفرهای اروپاییان به دنیای جدید و برخی حتی تا هزاره سوم پیش از میلاد به عقب بازمی‌گردند (Frank, 1998: 126).

جهانی‌شدن در مقیاس بزرگ، در دهه ۱۸۲۰ آغاز شد و در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ موجب گسترش سریع ارتباط اقتصادها و فرهنگ‌های جهانی شد. اصطلاح شهر جهانی توسط جامعه‌شناس «ساسکیا ساسن» (Saskia Sassen) در اثرش «شهر جهانی: نیویورک، لندن، توکیو» (۱۹۹۱) رایج شد (Sassen, 1991).

در زبان انگلیسی، کلمه جهانی‌شدن، در اوایل دهه ۱۹۳۰ فقط در زمینه آموزش و پرورش استفاده شد، و این اصطلاح مورد توجه قرار گیرد. در طول چند دهه بعد، این اصطلاح

گهگاه توسط سایر محققان و رسانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما به وضوح تعریف نشده بود. یکی از اولین کاربردهای این اصطلاح به معنای مشابه کاربرد متأخر، توسط اقتصاددان فرانسوی «فرانسوا پروگس» (François Perroux) در مقالات خود از اوایل دهه ۱۹۶۰ بود (او در آثار فرانسوی خود از اصطلاح «جهانی‌سازی ادبی» (mundialization) استفاده می‌کرد که به عنوان جهانی‌سازی نیز ترجمه شده است (James and Steger, 2014: 423).

در سال ۱۸۴۸، کارل مارکس متوجه سطح فزاینده وابستگی متقابل ملی ناشی از سرمایه‌داری شد و ویژگی جامعه جهانی مدرن را پیش‌بینی کرد. وی می‌گوید: «سرمایه‌داری از طریق استثمار بازار جهانی، به تولید و مصرف در هر کشوری خصلت جهان وطنی بخشیده است و متأسفانه ارتجاع گرایان، از زیر پای صنعت، زمین ملی را که بر آن ایستاده بود، بیرون کشیده‌اند. تمام صنایع ملی قدیمی از بین رفته یا هر روز در حال نابودی است... و به جای خودکفایی محلی و ملی، گرفتار وابستگی متقابل جهانی ملت‌ها شده‌ایم» (Marx, 2017: 86).

آنتونی گیدنز در «پیامدهای مدرنیته» می‌نویسد: «جهانی شدن را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان تعریف کرد که مکان‌های دور را به گونه‌ای به هم پیوند زده است که رویدادهای محلی با رویدادهایی که مایل‌ها دورتر اتفاق می‌افتند شکل می‌گیرند و بالعکس» (Giddens, 1990: 64). در سال ۱۹۹۲، رولاند رابرتسون، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه آبردین و نویسنده اولیه در این زمینه، جهانی شدن را به عنوان «فشرده‌گی جهان و تشدید آگاهی جهان به عنوان یک کل» توصیف کرده است (Robertson, 1992:).

مک گرو (Anthony McGrew) در زمینه تعریف جهانی شدن می‌گوید: «جهانی شدن یعنی افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها (و در نتیجه، فراتر از جوامع) دامن می‌گسترانند و نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین داشته باشد» (ویلیام، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

در متون فلسفی ایران، موضوع جامعه آرمانی این جهانی با عنوان «مدینه فاضله» توصیف شده است. در نقطه درخشش فرهنگ ایرانی - اسلامی، ابونصر فارابی، اندیشه شهر آرمانی را در کتاب «اندیشه‌های اهل مدینه فاضله» مطرح کرد و جامعه‌ای آرمانی بر اساس اندیشه‌های فلسفی و در قالب مفاهیم اسلامی پی افکند. مدینه فاضله در اندیشه فارابی، از معموره زمین آغاز شده و در کوچکترین حد خود، به «شهر» اطلاق می‌گردد. چنین نگرشی، علاوه بر اینکه از مفهوم اسلامی «دارالاسلام» نشأت می‌گیرد، بسیار فراتر از محدوده جغرافیایی ملت‌هاست. دریافت فارابی از جامعه کامل، جامعه‌ای بزرگ شامل بسیاری از ملت‌هاست و چنانچه زمام امور در دست رهبری آرمانی قرار گیرد «مدینه فاضله» در آن محدوده تحقق می‌یابد (شعبانی، ۱۳۸۴: ۳۶۶).

خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف مدینه فاضله می‌گوید: «اجتماع قومی بود که همت‌های ایشان اقتنای خیرات و ازاله شرور مقدم بود و هر آینه میان ایشان اشتراک بود در دو چیز: یکی آراء و دوم افعال...» (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۸) بنابر تعریف طوسی، مردم در مدینه فاضله، در جستجوی خیرات هستند و جویای کمال و در آن شهر عدالت حاکم است. وی درباره ویژگی‌های مدینه فاضله به موارد ذیل اشاره می‌کند: ۱. الفت و محبت ۲. امنیت و عدم تعاند ۳. صداقت ۴. عدالت.

ملاصدراى شیرازی مدینه فاضله را طوری ترسیم می‌کند که همه شهرهای آن دارای امتی است که برای رسیدن به خیر حقیقی و سعادت، یکدیگر را یاری می‌کنند. در دیدگاه سیاسی - اجتماعی ملاصدرا، خداوند منزله از تعلقات و دنیا منزلگاه سالکان الهی است که برای سفر به سوی حق تلاش می‌کنند. انسان در این مدینه، دارای ویژگی‌های ممتاز از سایر مخلوقات، مختار بودن، نیازمند به اجتماع و تمدن، دارای سیاست و شریعت می‌باشد. از دیدگاه ملاصدرا ارکان این مدینه: قانون الهی، حکومت و مردم و سعادت آنان می‌باشد که هر یک شرایط خاص خود را دارد. خدا محوری، حضور گسترده شریعت، حضور ولایت، عدالت در جامعه و تعاون برای نیل به سعادت از وجوه مدینه فاضله ملاصدرا است (شعبانی، ۱۳۸۴: ۳۶۶).

۳. تاریخچه جهانی شدن

اقتصاددان تاریخی و جامعه‌شناس آلمانی «آندره گاندر فرانک» (Andre Gunder Frank) می‌گوید که شکلی از جهانی شدن با ظهور پیوندهای تجاری بین سومر و تمدن دره سند در هزاره سوم پیش از میلاد آغاز شد (Frank, 1998: 25).

تجارت در جاده ابریشم عامل مهمی در توسعه تمدن‌های چین، شبه قاره هند، ایران، اروپا و عربستان بود و باعث گشودن تعاملات سیاسی و اقتصادی درازمدت بین آنها شد. علاوه بر تجارت اقتصادی، جاده ابریشم به عنوان وسیله‌ای برای انجام تجارت فرهنگی در میان تمدن‌های موجود در شبکه آن عمل می‌کرد (Jerry, 1993: 33).

از قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی، با گسترش شهرها در اروپا، تحولی آغاز می‌شود که اگرچه در یک دوره منجر به تشدید منازعات در اروپا و ایجاد درگیری‌های شدید میان مدعیان قدرت سیاسی و نیروهای مذهبی می‌شود، ولی در درازمدت منجر به حذف بخش عمده‌ای از مدعیان و کنار رفتن آنها به نفع مجموعه‌ای از دولت‌های قدرتمند است. در نتیجه این تنازعات، اندک اندک قدرت‌های کوچک در یکدیگر هضم و کشور بزرگتری شکل می‌گیرد. سرانجام با رسیدن به قرن هجدهم میلادی، پراکندگی به نوعی وحدت می‌انجامد به گونه‌ای که در آغاز قرن هجدهم با عهدنامه «وستفاليا» (Westphalia) صدها گروه مدعی در اروپا تبدیل به ۲۴ یا ۲۵ دولت ملی می‌شوند و دولت ملت‌ها (Nation - States) شکل می‌گیرند. دولت‌های ملی از چهار عنصر سرزمین، جمعیت، حاکمیت و حکومت تشکیل می‌شدند و مهمترین عنصر، سرزمین بود که دولت‌ها مایل بودند تا آنجا که ممکن است بر گستره آن بیفزایند (جعفری، ۱۳۸۹: ۸۶). اهمیت عهدنامه وستفاليا در روابط بین‌الملل، به عنوان نخستین معاهده صلح چند جانبه در قرون اخیر، از این جهت است که این عهدنامه و کنفرانس آن، مبنای اقدامات بعدی و راهنمای کشورها در گسترش روابط بین‌الملل شد. این معاهده سپس به پیمان‌های بزرگ مشابهی میان کشورها انجامید، و در نهایت به قانون بین‌الملل منتهی شد و پایه و اساس جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد گردید.

این آغاز در واقع پایانی بر بی‌ثباتی شدید دوران پس از قرون وسطی، عصر رنسانس و جنگ‌های مذهبی بود. اما نکته مهم در فرایند دولت‌سازی جدید، سکولار شدن قوانین است. در این دوران برخلاف قرون وسطی که منشأ قانون تفسیر کتاب مقدس و قوانین برگرفته از نهادهای کلیسایی بود، قوانین بر اساس مفاهیم دنیوی سکولار تدوین می‌شوند و اگر قرار شود که مفاهیم دینی در قانون گنجانده شوند، باید از مجرای قانون‌گذاری سکولار عبور کنند. در نتیجه در دوران جدید، قانون‌گذاری از سیطره نهادها و سازوکارهای دینی خارج شده و قانون پارلمان جایگزین آن می‌شود.

در قرن نوزدهم، رشد سریع جمعیت زمینه ایجاد تقاضای پایدار برای کالاها و صنعتی شدن امکان تولید اقلام خانگی استاندارد را فراهم کردند. کشتی‌های بخار هزینه حمل و نقل بین‌المللی را به میزان قابل توجهی کاهش دادند و راه آهن حمل و نقل داخلی را ارزان‌تر کرد (O'roure et al, 2002: 34).

پس از جنگ جهانی دوم، کار سیاستمداران منجر به توافق نامه‌های کنفرانس برتون وودز شد، که در آن دولت‌های بزرگ چارچوب سیاست‌های پولی، بازرگانی و مالی بین‌المللی را تعیین کردند و چندین نهاد بین‌المللی را با هدف تسهیل رشد اقتصادی از طریق کاهش هزینه‌ها ایجاد کردند. در ابتدا، موافقت نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (GATT) منجر به مجموعه‌ای از موافقت نامه‌ها برای حذف محدودیت‌های تجاری شد. جانشین گات، سازمان تجارت جهانی (WTO) بود که چارچوبی را برای مذاکره و رسمیت بخشیدن به توافقات تجاری و فرآیند حل اختلاف فراهم کرد و صادرات از ۸/۵ درصد کل تولید ناخالص جهانی در سال ۱۹۷۰ به ۱۶/۲ درصد در سال ۲۰۰۱ (تقریباً دو برابر) شد (Kheeshadeh, 2012: 1753).

از دهه ۱۹۷۰، حمل و نقل هوایی به طور فزاینده‌ای برای طبقات متوسط در کشورهای توسعه یافته مقرون به صرفه شد و سیاست‌های آسمان باز و شرکت‌های هواپیمایی کم‌هزینه به ایجاد رقابت در بازار کمک کردند. در دهه ۱۹۹۰، رشد شبکه‌های ارتباطی کم‌هزینه، مخارج ارتباط بین کشورها را کاهش داد و با رشد فناوری، انجام بیشتر کارها با استفاده از رایانه بدون توجه به مسافت،

امکان‌پذیر شد. با مرور زمان، به برکت پیشرفت فناوری، هر روز جهان کوچک و کوچک‌تر شد تا جایی که امروزه با یک گوشی تلفن همراه می‌توان با هر شخصی در هر جای جهان در ارتباط بود و از آخرین اتفاقات با جزئیات مطلع شد و در وقایع اجتماعی اثرگذار بود.

۴. انواع جهانی شدن

سه نوع جهانی شدن وجود دارد: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی.

- جهانی شدن اقتصادی، تمرکز بر ادغام بازارهای مالی بین‌المللی و هماهنگی مبادلات مالی است. شرکت‌های چند ملیتی که در دو یا چند کشور فعالیت می‌کنند، نقش بزرگی در جهانی شدن اقتصاد ایفا می‌کنند.
- جهانی شدن سیاسی کشورها را از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گرد هم می‌آورد. سازمان‌هایی مانند ناتو و سازمان ملل بخشی از تلاش‌های جهانی‌سازی سیاسی هستند.
- جهانی شدن فرهنگی این جنبه از جهانی شدن تا حد زیادی بر عوامل تکنولوژیکی و اجتماعی متمرکز است که باعث همگرایی فرهنگ‌ها می‌شود. اینها شامل افزایش سهولت ارتباط، فراگیر شدن رسانه‌های اجتماعی و دسترسی به حمل و نقل سریع‌تر و بهتر است. این سه نوع بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، سیاست‌های آزادسازی تجارت ملی، جهانی شدن اقتصاد را به پیش می‌برد. سیاست‌های سیاسی همچنین بر جهانی شدن فرهنگی تأثیر می‌گذارد و مردم را قادر می‌سازد تا آزادانه‌تر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و در سراسر جهان حرکت کنند. جهانی شدن اقتصادی همچنین از طریق واردات کالاها و خدماتی که مردم را در معرض فرهنگ‌های دیگر قرار می‌دهد، بر جهانی شدن فرهنگی تأثیر می‌گذارد.
- قدرت، ثروت و تمامیت‌خواهی؛ بنیاد نظام‌های استبدادی را تشکیل می‌دهند. در نقطه مقابل؛ حکومت، ثروت، مردم و علم، ارکان اصلی قدرت در نظام‌های متجدد هستند.
- حکومت: به عنوان نهاد قانون‌گذار و مسئول نظارت بر اجرای آن، با در اختیار داشتن مجموعه سازمان‌ها و تشکیلات اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... به عنوان یکی از مهمترین عوامل قدرت محسوب می‌شود، لذا افراد حاضر در حاکمیت، از صاحبان قدرت به شمار می‌آیند.

- قانون: در دنیای جدید، قانون منشأ قدرت است که توسط مردم به نمایندگان ملت تفویض شده و حکومت به عنوان مجری زمام امور را در دست می‌گیرد. افرادی که با سوء استفاده از قانون، قدرت را در اختیار می‌گیرند، یا با استفاده از قوانین موجود و یا با جعل قوانینی که منفعت شخصی و گروهی آنان را تأمین کند، مرتکب دو سوء استفاده از قانون می‌شوند.
- ثروت: تأثیر ثروت در سیاست، اقتصاد، فرهنگ، قانون و سایر امور یک حکومت غیرقابل انکار است. در کشورهای سرمایه‌داری و کمونیستی اساس بیشتر تحولات بر مبنای اقتصاد است.
- مردم: افراد مهمترین عنصر به وجود آورنده جامعه و اساس قدرت‌ها و جریانات موجود هستند. برای اینکه جامعه‌ای شکل بگیرد، باید مردم از قانون خاصی تبعیت کنند. اگر حاکمان قوانین را تعیین و برای اجرا به مردم ابلاغ کنند، افراد در این جامعه تابع حکومت هستند، اما اگر مردم در تعیین قوانین سهم و شریک باشند و با انتخاب نمایندگان و مجریان قانون، حق خود را به حکومت واگذار نمایند و همگی در تدوین و اجرای قانون شراکت داشته باشند، مردم «شهروند» این جامعه هستند. لذا در حکومت‌های مردمی، قدرت حاصل از حکومت و ثروت نیز مرهون قدرت مردم است. در این گونه جوامع، علیرغم برخورداری از تنوع افکار و اندیشه‌ها و سبک‌های زندگی، احساس همدلی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی موج می‌زند و حاکمیت با خطر مخالفت‌های مردمی و انقلاب مواجه نخواهد شد در حالی که در حکومت‌های استبدادی که مردم را تابع حاکمیت می‌دانند، هر روز با خطر خیزش حرکت‌ها و مخالفت‌های مردمی برای تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی مواجه هستند.
- علم و دانایی: دانش نیز یکی از ابزارهای کسب قدرت سیاسی و اجتماعی است. حکومت بدون علم و دانش دوام و قوام نخواهد داشت و لذا شاهد هستیم در جوامعی که حاکمان دانشمند زمام امور را در دست دارند، نظام اجتماعی با موفقیت به سوی رشد و شکوفایی به پیش می‌رود و جوامعی که از رهبری اندیشمندان بهره‌ای نبرده، گرفتار مشکلات عدیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. البته در اینجا تفاوت مهمی در نوع علم وجود دارد. در دنیای تکنولوژی و اطلاعات، کسی که از توانایی علمی در زمینه‌های علمی در حوزه‌های مختلف از قبیل ساخت و

تولید مواد و محصولات بهره‌مند است سهم بیشتری در حاکمیت دارد. در حالی که در جوامع اسلامی علمی مفید است و توانایی بر مسند نشان دادن صاحب آن را دارد که همراه با تهذیب نفس باشد در غیر این صورت، چنین علمی حجاب اکبر است و رسوایی به بار آورده و عالم را به فساد می‌کشانند. از این رو، حاکم عالم که قدرت را در جامعه اسلامی در دست دارد، باید خود عامل و مکلف در برابر قوانین باشد تا مردم نیز احساس تکلیف کرده و از آن پیروی نمایند.

۵. اثرات جهانی شدن

اثرات جهانی شدن را می‌توان در سطح محلی و جهانی احساس کرد و زندگی افراد و همچنین جامعه گسترده‌تر را به روش‌های زیر تحت تأثیر قرار داد:

- اشخاص حقیقی: در اینجا، انواع تأثیرات بین‌المللی بر مردم عادی تأثیر می‌گذارد. جهانی شدن بر دسترسی آنها به کالاها، قیمت‌هایی که می‌پردازند و توانایی آنها برای سفر یا حتی نقل مکان به کشورهای دیگر تأثیر می‌گذارد.
 - جوامع: این سطح تأثیر جهانی شدن بر سازمان‌ها، مشاغل و اقتصادهای محلی یا منطقه‌ای را در بر می‌گیرد. این موضوع بر افرادی که در جوامع زندگی می‌کنند، جایی که کار می‌کنند، برای چه کسی کار می‌کنند، توانایی آنها برای نقل مکان از جامعه خود و به کشور دیگری در کشور دیگر، تأثیر می‌گذارد. جهانی شدن همچنین نحوه رشد فرهنگ‌های محلی در جوامع را تغییر می‌دهد.
 - موسسات شرکت‌های چند ملیتی: دولت‌های ملی و سایر سازمان‌ها مانند کالج‌ها و دانشگاه‌ها همگی تحت تأثیر رویکرد کشورشان نسبت به جهانی شدن و پذیرش آن هستند. جهانی شدن بر توانایی شرکت‌ها برای رشد و گسترش، توانایی دانشگاه برای تنوع بخشیدن و رشد بدنه دانشجویی و توانایی دولت برای پیگیری سیاست‌های اقتصادی خاص تأثیر می‌گذارد.
- اگرچه اثرات جهانی شدن را می‌توان مشاهده کرد، اما تجزیه و تحلیل تأثیر خالص پیچیده‌تر است. طرفداران اغلب نتایج خاص را مثبت می‌بینند و منتقدان جهانی شدن همان نتایج را منفی

می‌دانند. رابطه‌ای که به نفع یک نهاد است ممکن است به دیگری آسیب برساند، و اینکه آیا جهانی شدن به طور کلی به نفع جهان است یا خیر، همچنان محل مناقشه است.

۶. مزایا و معایب جهانی شدن

جهانی شدن کشورها را قادر می‌سازد تا به منابع طبیعی ارزان‌تر و هزینه کمتر نیروی کار دسترسی داشته باشند. در نتیجه، آنها می‌توانند کالاهای کم‌هزینه‌تری تولید کنند که می‌توانند در سطح جهانی فروخته شوند. طرفداران جهانی شدن استدلال می‌کنند که این جهانی شدن وضعیت جهان را به طرق مختلف بهبود می‌بخشد، مانند موارد زیر:

- مشکلات اقتصادی را حل می‌کند. جهانی شدن مشاغل و سرمایه را به مکان‌هایی منتقل می‌کند که به این منابع نیاز دارند. این امر به کشورهای ثروتمند امکان دسترسی به منابع کم‌هزینه و دسترسی به نیروی کار و کشورهای فقیرتر به مشاغل و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای توسعه را می‌دهد.
- تجارت آزاد را ترویج می‌کند. جهانی شدن کشورها را برای کاهش تعرفه‌ها، یارانه‌ها و سایر موانع تجارت آزاد تحت فشار قرار می‌دهد. در نتیجه این باعث رشد اقتصادی، ایجاد شغل، رقابتی‌تر شدن شرکت‌ها و کاهش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان می‌شود.
- توسعه اقتصادی را تحریک می‌کند. از لحاظ نظری، جهانی شدن به کشورهای فقیرتر امکان دسترسی به سرمایه و فناوری خارجی را می‌دهد که در غیر این صورت نمی‌توانستند داشته باشند. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منجر به بهبود استاندارد زندگی برای شهروندان آن کشورها شود.
- روندهای مثبت در حقوق بشر و محیط زیست را تشویق می‌کند. طرفداران جهانی شدن به افزایش توجه به حقوق بشر در مقیاس جهانی و درک مشترک از تأثیر مردم و تولید بر محیط زیست اشاره می‌کنند.
- درک فرهنگی مشترک را ترویج می‌کند. طرفداران افزایش توانایی سفر و تجربه فرهنگ‌های جدید را به عنوان بخش مثبتی از جهانی شدن می‌دانند که می‌تواند به همکاری بین‌المللی و صلح کمک کند.

بسیاری از طرفداران، جهانی شدن را راهی برای حل مشکلات اقتصادی سیستماتیک می‌دانند، اما منتقدان آن را «نابرابری جهانی» نامیده‌اند. از جمله نقدهای جهانی شدن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بازارها را بی ثبات می‌کند. منتقدان جهانی شدن حذف موانع تجاری و حرکت آزادتر مردم را عامل تضعیف سیاست‌های ملی و فرهنگ‌های محلی می‌دانند. بازارهای کار به ویژه زمانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند که مردم به دنبال مشاغل با درآمد بالاتر از مرزها حرکت می‌کنند یا شرکت‌ها کار و مشاغل را به بازارهای کار با هزینه کمتر برون سپاری می‌کنند.
- به محیط زیست آسیب می‌رساند. حمل و نقل کالا و انسان در بین کشورها باعث تولید گازهای گلخانه‌ای و تمام اثرات منفی آن بر محیط زیست می‌شود. سفر و تجارت جهانی همچنین می‌تواند، گاهی اوقات به طور ناخواسته، گونه‌های مهاجم را به اکوسیستم‌های خارجی معرفی کند. صنایعی مانند ماهیگیری و چوب‌برداری به جایی می‌روند که کسب و کار سودآورتر است یا مقررات سخت‌گیری کمتری دارند، که منجر به صید بیش از حد و جنگل‌زدایی در برخی از نقاط جهان شده است.
- استانداردهای زندگی را پایین می‌آورد. زمانی که شرکت‌ها برای به حداقل رساندن هزینه‌ها، فعالیت‌های خود را به خارج از کشور منتقل می‌کنند، چنین اقداماتی می‌تواند مشاغل را از بین ببرد و بیکاری را در بخش‌هایی از کشور خود افزایش دهد.
- رکودهای جهانی را تسهیل می‌کند. بازارهای جهانی که به شدت یکپارچه شده‌اند، خطر بیشتری برای رکود جهانی دارند. بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ و رکود بزرگ نمونه خوبی از این است که چگونه بازارهای جهانی در هم تنیده هستند و چگونه مشکلات مالی در یک کشور یا منطقه می‌تواند به سرعت بر سایر نقاط جهان تأثیر بگذارد. جهانی شدن توانایی تک تک کشورها برای استفاده موثر از سیاست‌های پولی و مالی برای کنترل اقتصاد ملی را کاهش می‌دهد.
- به هویت فرهنگی آسیب وارد می‌کند. منتقدان جهانی‌سازی از بین رفتن هویت‌های فرهنگی و زبان‌های منحصربه‌فرد ناشی از حرکت بین‌المللی کسب و کارها و مردم را محکوم می‌کنند. در

عین حال، اینترنت و رسانه‌های اجتماعی حتی بدون رفت و آمد مردم و تجارت، این روند را هدایت می‌کنند.

• احتمال همه‌گیری را افزایش می‌دهد. منتقدان می‌گویند افزایش سفر، پتانسیل افزایش خطر همه‌گیری را دارد. شیوع H1N1 (آنفلوآنزای خوکی) در سال ۲۰۰۹ و ویروس کرونا در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ دو نمونه از بیماری‌های جدی هستند که به سرعت به چندین کشور سرایت کردند. با آشکار شدن تأثیر جهانی شدن، دولت‌های ملی نیز از آن متأثر شده‌اند. ظهور رسانه‌های ارتباطی جدید و تبادلات فرهنگی از طریق آن‌ها، به وجود آمدن مسائل مشترک جهانی همچون گرم شدن کره زمین، مبارزه با ایدز و...، ظهور بازی‌گران فراملی مانند موسسات مردم‌نهاد محیط زیست و حقوق بشری، سازمان‌های فراملی مانند سازمان تجارت جهانی، کمتر شدن فاصله‌های جغرافیایی از طریق پیشرفت فناوری‌های حمل و نقل، هم‌چنین به صحنه آمدن بازیگران و مفاهیم جدید، موجب کم‌رنگ شدن قدرت و نفوذ دولت‌های ملی شده است.

کاهش وفاداری شهروندان به حکومت ملی و انتقال وفاداری‌ها به نهادهای فراملی از دیگر جلوه‌های تحولات و دگرگونی‌ها در چارچوب دولت‌های ملی به شمار می‌رود که طی آن رابطه شهروندان و دولت تغییر می‌یابد و ملی‌گرایی کم‌رنگ می‌شود (قوام، ۱۳۷۹: ۳۴).

بنابراین مرزها، دیگر صرفاً مرزهای سرزمینی نیستند، بلکه مرزهای فرهنگی، قومی، اقتصادی و... که منجر به هویت‌های جدید فرهنگی، قومی، اقتصادی و... می‌شوند، نیز وجود دارند. روند تحولات در عصر حاضر به نحوی است که در عرصه‌های بین‌الملل تفسیرهای جدیدی از موضوع حاکمیت در حال شکل‌گیری هستند (شریفیان، ۱۳۸۰: ۸۰۴).

در بستر جهانی شدن، کارکرد افراد، دولت‌ها و نهادهای جهانی در حال رصد شدن توسط جهانیان است. اگر دولت‌ها به حقوق افراد دیگر جوامع توجه نکنند، نمی‌توانند به گونه‌ای متقاعدکننده ادعای تضمین حقوق شهروندان خودشان را داشته باشند. به همین دلیل است که بعضی از نویسندگان استدلال می‌کنند که حقوق بشر به عنوان ضمانت اصلی استقلال فرد در حال جایگزینی به جای شهروندی است (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

۷. مبانی نظری جهانی شدن از دیدگاه اسلام

اسلام با اندیشه جهانی شدن متولد شد و مسلمانان برای تحقق این اندیشه تلاش بسیار کردند. گسترش تمدن اسلامی در قرون اولیه شاهد بر این مدعاست، لیکن شیوه گسترش اسلام با آنچه در قرآن و سیره رسول اکرم (ص) بود، مغایرت داشت و به همین دلیل جنبه جهانی شدن دین اسلام با وقفه‌ای طولانی روبرو شده است.

اصول فکری تمدن اسلامی ره‌آورد وحی الهی، نبوت انبیاء و امامت اولیاء است که فطرت و عقل بشری صحت آن را تأیید می‌نماید. این مبانی، نوید دهنده جهانی شدن تمدن اسلامی در سیر تاریخی بشر است. تاریخ انسان، پیش از همه، مجموعه واقعیت‌هایی است درباره آنچه انسان‌ها انجام داده و متحمل شده‌اند که پژوهش عقلی پیرامون آن، نیازمند یافتن نوعی معقولیت است. برنامه اسلام مبتنی بر امیدها و اهداف عقلی خاصی برای رشد روشنگری، پیشرفت اخلاقی نوع انسان، صلح جاودانه میان ملت‌هاست و این مهم را از طریق تآلؤ عصر سعادت بشریت با تأسیس حکومت جهانی پیگیری می‌کند.

آیاتی از قرآن به مسأله جهانی شدن اسلام اشاره دارند، از جمله:

- «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشگریانشان، آنچه را از آنها (بنی اسرائیل) بیم داشتند، نشان دهیم!»^۱
- «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گردانند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند»^۲.

۱. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)

۲. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۲۳)

• «در زیور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»^۱ «یرثها» جنبه جهان شمولی دارد؛ یعنی همه حاکمان زمین، بندگان صالح خدا خواهند شد.

• «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، فاسقند.»^۲

شکی نیست که اسلام در پرتو رسالت اخلاقی و آموزه‌های دینی مبتنی بر آن، به جهانی شدن نگریسته است؛ مثلاً، صلح جاودانه میان ملت‌ها، که ایده‌آل محض برترین خیر اجتماعی است، از راه به کارگیری اصول عملی برای شرایط تجربی زندگی انسان تبیین شده است. بنابراین وضع این غایت‌ها تا حدی مبتنی بر پیشنهادهایی پیرامون جهانی شدن است که باید از راه کاویدن فلسفه اجتماعی - سیاسی اسلام بدان‌ها دست یافت. اسلام، آزادی انسان را منبع عمده این حرکت ذکر می‌کند که مردم را از قواعد غریزه حیوانی می‌رهاند و آنان را در جهان پدیداری، پذیرای قرار گرفتن تحت قوانین ضروری عقلی الهی نظم می‌بخشد. در این اندیشه، رفتار انسان‌ها به عنوان موجودات سازمانده (Organized Bing)، صرفاً تحت قوانین علّی و معلولی قرار نمی‌گیرد و رفتارشان نشان‌دهنده مفهوم‌سازی توسط خودشان است و لذا آینده آنان قابل پیش‌بینی نیست و این نشان از آزادی انسان از دیدگاه اسلام دارد. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.»^۳

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

۲. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵).

۳. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).

نگرش اسلام به مقوله جهانی شدن، با دیگر مکاتب امروز متفاوت است. بر خلاف نگاه سایرین که برگرفته از مادی گرایی و تفرعن انسان است، در تفکر اسلامی، انگاره تمدن اسلامی با نظر به ربوبیت الهی، عدالت جهانی و حفظ کرامت انسان بنیان شده و در حدود آن، تفسیر می شود. تحقق عدالت، توحید، علم و حکمت، رشد عقل، رفاه و آبادانی، امنیت و آرامش، فراوانی و برکت و... از ویژگی های تمدن اسلامی در آیات قرآن و روایات است.

در اسلام، انسان به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کرده، زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد و به نتایج مطلوبی که خدای متعال او را برای آنها خلق کرده، برسد. انسان عزیز؛ انسان دارای آزادی، قدرت، اراده، ابتکار و سازندگی است. در این تعریف، ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر، مطرح شده است که منجر به تکامل و قرب به پروردگار می شود.

۸. نتیجه گیری

برخورداری از برترین ها، مهمترین ابزار برای حضور در عرصه های جهانی است. با تدبیر در آموزه های قرآنی در می یابیم که موضوع دستیابی به برترین ها و سرآمد بودن، با صراحت در کلام الهی و سیره پیامبر طرح شده است. مطابق این آموزه ها، نظام جهانی اسلامی باید در تأمین نیازمندی های مادی و معنوی جوامع مختلف سرآمد باشد و این امر جز با برخورداری از برترین اندیشه ها و امکانات، قابل دسترس نیست.

برای نیل به این مقصود، بایستی در جنبه های مختلف سرآمد ملت های جهان گردیم تا زمینه های نقش آفرینی مؤثر در نظام جهانی فراهم گردد. برخی از مهمترین عناوینی که بایستی نسبت به آن همت گماشت، به شرح ذیل می باشد:

۱. دستیابی به برترین مرحله شعور و کمال عقلانی: از نظر ملاصدرا «خیر، سعادت و کمال، و همچنین شعور و ادراک به «وجود» است. وجودها در کمال و نقص متفاوت هستند. پس هر زمانی که وجودها اتم و از عدم خالص تر باشند، کمال و سعادت برتر و بالاتری دارند (حسینی شاهرودی و پورافغان، ۱۳۹۴: ۵۷). مقارنت کمال عقلانی با سعادت انسان، بیانگر این حقیقت است که لازمه برخورداری از تمدن نوین، برتری و کمال عقلانیت انسانی است. این حقیقت متناسب با پیشرفت

فکر بشر در کشف و شناخت حقایق معنوی و ارتباطات فردی و اجتماعی و به موازات رشد اخلاقی و علمی محقق خواهد شد.

۲. دستیابی به برترین مرحله از رشد علم: رشد و شکوفایی علمی، یکی از نکاتی که اسلام نسبت به آن تأکید دارد و آموختن علم را حتی از غیرمسلمین واجب و ضروری می‌داند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «علم آموزی بر هر زن و مرد مسلمان واجب است»^۱ (مجلسی، ۱۳۶۸: ج ۶۷، ص ۶۸). اسلام نه تنها به پیروان خود، بلکه حتی به مخالفین خود نیز توصیه می‌کند که در جستجوی آموختن حکمت و علم باشند، زیرا بدیهی است انسانی که از حکمت و علم برخوردار باشد، سخن حق را درک کرده و به سوی حقیقت رهنمون خواهد شد. از سوی دیگر، گسترش علم در جامعه موجب تولید وسایل و ایجاد امکانات بیشتر برای آسایش مردم خواهد شد و همین، موجب جلب توجه و گرایش انسان‌ها خواهد شد.

۳. ایجاد عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی، به معنی رعایت مساوات و پرهیز از ظلم و تبعیض، از مهمترین خواسته‌های فطری و به حق بشر است که از دیرباز مصلحان اجتماعی در اندیشه تحقق آن بوده‌اند. هنگامی که عقلانیت، شعور و آگاهی انسان به اوج کمال برسد، و علم بسترهای لازم برای رشد و شکوفایی انسان‌ها را فراهم کند، شرایط تحقق عدالت در جامعه انسانی فراهم می‌آید.

۴. تأسیس برترین و صالح‌ترین قدرت اقتصادی: عوامل اقتصادی همواره از مهمترین ابزار اداره جوامع بشری به شمار می‌روند. کمیت و کیفیت اداره جوامع بشری، به این بستگی دارد که این عوامل و ابزار در اختیار چه شخصیت‌ها و حکومت‌هایی باشد. اگر مصلحان واقعی بر این عوامل دست یابند، در مسیر آبادانی و تأمین مصالح مادی و معنوی بشر حرکت می‌کنند. اما چنانچه این ابزار در خدمت سیاست‌بازان نااهل و خودخواه قرار گیرد، از آن‌ها برای تأمین منافع شخصی، گروهی و حزبی بهره‌برداری می‌کنند. در نتیجه شمار بسیاری از آحاد مردم از حقوق مسلم خود محروم می‌شوند و در نتیجه، عدالت پیش پای خواسته‌های گروهی اندک و فرصت طلب قربانی

۱. «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»

- می‌شود. در معادلات جهانی، قدرت اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای دارد، لذا کشورهایی که قصد حضور در جامعه جهانی را دارند باید نظام اقتصادی قدرتمند و عادلانه‌ای تأسیس کنند.
۵. برترین نظام حقوقی و سیاسی: قدرت حقوقی و توانمندی سیاسی با پشتوانه شکوفایی علمی، عقلانی و اقتصادی حاصل می‌شوند و به نحوی جدایی‌ناپذیر از اساسی‌ترین واژگان در حقوق عمومی محسوب می‌شوند. این امر از آنجا سرچشمه می‌گیرد که حقوق عمومی و سیاست وظیفه غایی خود را تعیین قواعد و اصول لازم‌الاجرا برای محدود کردن قدرت فرمانروایان، تضمین آزادی‌های فردی و ترسیم مرزهای روابط میان قوای حکومتی قرار داده‌اند. لذا می‌توان گفت که حقوق و سیاست از یک سو، ابزار حقانی‌سازی قدرت و از سوی دیگر، سدی در برابر افسارگسیختگی قدرت محسوب می‌شوند. بر این اساس، در اندیشه دینی، قدرت حقوقی و سیاسی وسیله‌ای برای وصول به اهداف حکومت اسلامی است که به امانت در اختیار حاکمان قرار شده است (حبیب زاده و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۳: ۳۶۵). اگر مسلمانان عزم آن دارند که در نظام حقوقی و سیاسی جهانی، سخنی برای گفتن داشته باشند، می‌بایست نظامی حقوقی و سیاسی را تبیین کنند که متناسب با نیازهای جامعه بین‌الملل، تأمین کنند امنیت سیاسی و حقوقی بشریت باشد.
۶. بهره‌مندی از کارآمدترین فنون و تجهیزات نظامی: برخورداری از استطاعت نظامی و تسلیحاتی، همچنین آشنایی با فنون پیشرفته نظامی و دفاعی، پشتوانه عظیمی برای حفظ استقلال و تمامیت کیان یک حاکمیت به شمار می‌رود. نظامیان مجهز به ادوات، تجهیزات و فنون رزمی و دفاعی پیشرفته، مایه امنیت و سربلندی هر حکومتی هستند و چشم طمع دشمنان را کور می‌کنند. بدیهی است برخورداری هر حاکمیتی از فنون و تجهیزات نظامی و دفاعی باید با قلمرو حاکمیت آن کشور متناسب باشد، لذا تمدن نوین اسلامی که داعیه جهانی شدن دارد، باید توان نظامی و تسلیحاتی‌اش وسعت جهان را دربرگیرد تا بتواند امنیت خود و سایر ملت‌ها را در سطح جهان تأمین کند.

با عنایت به اهمیت موضوع جهانی شدن و ضرورت حضور در نظم جهانی، وظیفه‌ای خطیر بر عهده حاکمان و مدیران قرار گرفته است. اگر تعلل و سستی در پیش گیرند و به جای تمرکز بر وحدت و قدرت بخشیدن به نیروها، راه ستیز و اختلافات داخلی را پیمایند، آینده جامعه را به مخاطره انداخته، با توجه به اینکه جهانی شدن معاصر بر محور انسان بنا شده است، زمینه برای رشد اندیشه‌های رقیب فراهم می‌گردد. امید است سیاست‌گذاران، صاحب‌نظران و فرهیختگان با اندیشه و سعه‌صدر، با محوریت آموزه‌های الهی، جامعه جهانی را از فلاکت ظلم و استکبار نجات داده زمینه سعادت‌مندی تمام ابناء بشر را فراهم آورند.

منابع

- جعفری، انوش** (۱۳۸۹). «جهانی شدن و وستفالی‌زدایی از متغیرهای دولت»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، نشریه علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج. شماره ۱۳، صص ۸۳-۱۱۴.
- حبیب‌زاده، توکل و علی فتاحی زفرقندی** (۱۳۹۳). «قدرت سیاسی؛ مطالعه تطبیقی در اندیشه لیبرال و اسلامی»، دو فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۷۸-۳۵۹.
- حسینی شاهروی، سید مرتضی و عظیمه پورافغان** (۱۳۹۴). «نسبت کمال عقلانی (اتحاد با عقل فعال) با کمالات اخلاقی از نظر ملاصدرا. فصلنامه حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ششم، شماره دوم، صص ۴۳-۵۷.
- خمینی، روح‌اله** (۱۳۶۸). شرح چهل حدیث. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- دهشیری، محمد رضا** (۱۳۹۶). «انقلاب اسلامی و جهانی شدن؛ از نظریه تا عمل»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۴، صص ۲۸-۴۵.
- رجایی، فرهنگ** (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، نشر آگه، تهران.

شریفیان، جمشید (۱۳۸۰). بین المللی شدن حقوق بشر «، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهارم، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۳.

شعبانی، غلام محمد (۱۳۸۴). «ویژگی‌های مدینه فاضله از دیدگاه اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر علی عباسی، استاد مشاور: حجت الاسلام حمید رضا رضائیا. تهران: مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه عالی امام خمینی).

طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۶). اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: قدیانی.

فارابی، محمد بن محمد (۱۳۷۹). آراء اهل مدینه فاضله، تهران: گیسوم.

فالکس، کیث (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: نشر کویر.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۸). بحارالانوار، بیروت: لبنان. جلد ۶۷، صفحه ۶۸.

ویلیام، مارک (۱۳۷۹). بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت، ترجمه

اسماعیل مردانی، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، شماره ۱۵۵ و ۱۵۶.

Albrow, Martin and King, Elizabeth (1990). *Globalization, Knowledge and Society*. London: Sage. ISBN 0-8039-8323-9. OCLC 22593547

Frank, Andre Gunder (1998). *Reorient: Global economy in the Asian age*. Berkeley: University of California Press. ISBN 978-0-520-21474-3

Frank, Andre Gunder. (1998). *ReOrient: Global economy in the Asian age*. Berkeley: University of California Press. ISBN 978-0-520-21474-3

Giddens, Anthony (1990). *The Consequences of Modernity*. Cambridge: Polity Press. p. 64. ISBN 0-7456-0793-4. OCLC 22305142

O'Rourke, H., Kevin G. and Williamson, Jeffrey (2002). "When did globalization begin?". *European Review of Economic History*. 6 (1): 23–50. doi:10.1017/S1361491602000023. ISSN 1361-4916

Heinrich Marx Karl (2017). "Manifesto of the Communist Party", *The Communist Manifesto*, Pluto Press, pp. 47–103, 2017, doi:10.2307/j.ctt1k85dmc.4, ISBN 978-1-78680-025-1, S2CID 53056560, retrieved 18 October 2020

James, Paul and Steger, Manfred B. (2014). "A Genealogy of globalization: The career of a concept". *Globalizations*. 11 (4): 417–34. doi:10.1080/14747731.2014.951186. S2CID 18739651

- James, Paul and Steger, Manfred B.** (2014). "A Genealogy of globalization: The career of a concept". *Globalizations*. 11 (4): 417–34.
doi:10.1080/14747731.2014.951186. S2CID 18739651
- Jerry Bentley** (1993). *Old World Encounters: Cross-Cultural Contacts and Exchanges in Pre-Modern Times* (New York: Oxford University Press, 1993), 33.
- Kevin H., O'Rourke, Leandro Prados de la Escosura and Guillaume Daudin** (2018). Trade and empire (Chapter 4) – *The Cambridge Economic History of Modern Europe*. Cambridge Core. pp. 100–01. doi:10.1017/CBO9780511794834.006. ISBN 9780521882026. Archived from the original on 3 March 2018. Retrieved 2 March 2018
- Kheeshadeh Maryam** (2012). "EFFECTS OF GLOBALIZATION ON MASS MEDIA IN THE WORLD". *International Journal of Asian Social Science*. 2(10), pp. 1742-1763.
- Klein, Naomi** (2008). *The Shock Doctrine*. Canada: Vintage.
- Lourdes, Benería; Deere, Carmen Diana; Kabeer, Naila** (2012). "Gender and International Migration: Globalization, Development and Governance". *Feminist Economics*. 18 (2): 1–33.
doi:10.1080/13545701.2012.688998. S2CID 144565818.
- Lourdes, Benería; Gunseli, Berik and Maria S., Floro** (2016). *Gender, Development, and Globalization: Economics as if all people mattered*. New York: Routledge. p. 95. ISBN 978-0-415-53748-3
- Lourdes, Benería; Gunseli, Berik; Maria S., Floro** (2016). *Gender, Development, and Globalization: Economics as if all people mattered*. New York: Routledge. p. 95. ISBN 978-0-415-53748-3
- Martell, Luke** (2010). *The Sociology of Globalization*. Policy Press.
- O'Rourke, Kevin H. and Williamson, Jeffrey G.** (2002). "When Did Globalization Begin?". *European Review of Economic History*. 6 (1), pp. 23–50.
doi:10.1017/S1361491602000023. S2CID 15767303
- Robertson, Roland** (1992). *Globalization: Social Theory and Global Culture* (Reprint. ed.). London: Sage. ISBN 978-0-8039-8187-4. OCLC 28634687
- Sassen, Saskia** (1991). *The Global City: New York, London, Tokyo*. Archived 16 March 2015 at the Wayback Machine (1991) - Princeton University Press. ISBN 0-691-07063-6
- Varghese N.V.** (2008). *Globalization of Higher Education and Cross-Border Student Mobility*, India Higher Education Report. Available at:
https://www.researchgate.net/publication/44839105_Globalization_of_Higher_Education_and_Cross-Border_Student_Mobility

Strategic Components for effective presence in the Global order

Hassan Hajizadeh Onari

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Chamran Campus,
Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

hajizadeanari@gmail.com

Mahdi Aboutalebi Yazdi

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Chamran Campus,
Farhangian University, Tehran, Iran

aboutaleby@gmail.com

Globalization means a long-term and multifaceted process that is being formed with a kind of shared global self-awareness. The main question is how should we act in this process so as not to lag behind the pace of progress and changes that are taking place in the human world and to maintain and enhance our country's position in the international system? Given the importance and necessity of being present in the global order, a serious task has been placed on the shoulders of rulers, managers, and policymakers. If they hesitate and take the path of internal conflict and disagreements instead of focusing on the components that increase the country's power in the global equation, they will jeopardize the future of society and pave the way for the growth of competitors. The following article, while briefly reviewing the history of globalization, presents strategic components for an effective presence and enhancing the country's position in the international system, so that in addition to benefiting from the benefits of the modern world, the shortcomings and shortcomings that prevent an effective presence in the global community can be overcome.

Keywords: Globalization, Global society, Islamic Civilization, Modernity.